

تأثیر سرمایه اجتماعی بر مؤلفه‌های اجتماعی (سازمان، توسعه، بهداشت، آموزش و استاندارد زندگی)

فربیا فروغی قمی

کارشناس مدیریت دولتی پردیس قم دانشگاه تهران

حامد بردبار

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی پردیس قم دانشگاه تهران

چکیده

نظریه سرمایه اجتماعی به‌طور ذاتی بسیار ساده و تأثیرگذار بر بسیاری از مولفه‌ها می‌باشد. ایده محوری سرمایه اجتماعی را می‌توان در واژه «روابط» خلاصه کرد. اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آن‌ها قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند و به این طریق چیزهایی را کسب می‌کنند که به تنهایی قادر به کسب آن‌ها نمی‌باشند و یا با دشواری موفق به کسب آن‌ها می‌شوند. انسان‌ها از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌ها به هم متصل می‌شوند و تمایل دارند که ارزش‌های مشترکی با سایر اعضای این شبکه‌ها داشته باشند و با گسترش شبکه‌ها نوعی دارایی را تشکیل می‌دهند که می‌توان آن‌را به‌عنوان نوعی سرمایه مورد ملاحظه قرار داد. این سرمایه، همان قدر که در زمینه اولیه خود مفید است، می‌تواند در سایر زمینه‌ها هم مفید باشد. بدیهی است که هر چقدر افراد بیشتری را بشناسیم و دید مشترک بیشتری با آن‌ها داشته باشیم، سرمایه اجتماعی غنی‌تری را خواهیم داشت. این مقاله در پی تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و توصیف رابطه‌ی آن با موضوعاتی چون سازمان، توسعه، بهداشت، آموزش می‌باشد.

واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی^۱، ارتباط^۲، شبکه‌های اجتماعی^۳، توسعه اقتصادی^۴.

- 1 . Social Capital
- 2 . Relation
- 3 . Social Network
- 4 . Economic Development

مقدمه

سرمایه اجتماعی به سرمایه‌گذاری در روابط، پیوندهای فعال و یا شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که به توان تولیدی افزایش یافته می‌انجامد. در حالی که سرمایه مادی و فیزیکی^۱ به اشیاء عینی و مادی و سرمایه انسانی در مقایسه با دارایی‌های افراد، اشاره دارد. سرمایه اجتماعی مشتمل بر ساز و کارهایی است که دانش و معلومات می‌تواند از طریق آن از فردی به فرد دیگر منتقل شود. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از موهبت‌ها و امتیازات اجتماعی را نظیر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، اعتماد^۲، صداقت^۳، درک متقابل، تساهل، همکاری^۴، مشارکت^۵، روابط متقابل را شامل می‌شود که افراد را قادر می‌سازد با یکدیگر کار کنند. جایی که افراد اعتماد می‌کنند و مورد اعتماد یکدیگر بوده و در جوامع خود، فعالانه با یکدیگر به تعامل می‌پردازند، هزینه‌های کسب و کار تجارت، معاملات و فعالیت‌های اجتماعی کمتر است و انتقال دانش و آگاهی از فردی به دیگری تسهیل می‌گردد.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهوم نسبتاً جدیدی در علوم اجتماعی است که به‌طور کلی اگر بخواهیم تعریفی از سرمایه اجتماعی داشته باشیم بدین صورت تعریف می‌گردد: «منابع در دسترس هستند که این منابع به‌خودی خود دارایی‌های شخصی محسوب نمی‌شوند و هیچ فردی نمی‌تواند آن‌ها را مالکیت خود درآورد». سرمایه اجتماعی، سرمایه و موهبتی نامحسوس شناخته می‌شود که بیش از آنکه به فرد تعلق داشته باشد، متعلق به جامعه می‌باشد. سطح آن تابعی است از چگونگی روابط، گرایش‌ها و نظم‌ها میان دسته‌های فردی که یک گروه را تشکیل می‌دهند. چنانچه سرمایه اجتماعی پایین باشد، گستره‌ای که می‌توان در آن به بسیج سرمایه انسانی دست زد، محدود می‌شود. نکته‌ی مهم و قابل تأمل این است که سرمایه اجتماعی هم در افراد دیده می‌شود و هم در ابزار فیزیکی تولید دیده می‌شود (کلمن، ۱۳۸۴):

- 1 . Physical Capital
- 2 . Trust
- 3 . Honest
- 4 . Collaboration
- 5 . Participation

۴۶۲). همین ویژگی نهفته در آن است که منجر می‌شود تا سرمایه اجتماعی زاینده و مولد محسوب گردد. البته نکته‌ای باید مد نظر قرار گیرد که سرمایه اجتماعی نقشی پررنگ‌تر از سرمایه فیزیکی و منابع انسانی موجود در سازمان را بازی می‌کند. در این جا به خلاصه‌ای از نقطه نظرات صاحب‌نظران در مورد سرمایه اجتماعی می‌پردازیم.

تئورسین	تعریف	اهداف	سطح تحلیل	بازدهی سرمایه
بورديو ^۱	منابعی که دسترسی به کالاهای گروهی را فراهم می‌سازند	تأمین سرمایه اقتصادی	افراد در رقابت‌های طبقاتی	خصوصی (فردی و گروهی)
لین ^۲	دسترسی و استفاده از منابع نهفته در شبکه‌های اجتماعی	تأمین منابع نهفته در روابط حفظ وضع موجود	افراد در شبکه‌ها اجتماعی	خصوصی (فردی)
کلمن ^۳	جنبه‌هایی از روابط که کنش هدفمند را تسهیل می‌نمایند	تأمین سرمایه انسانی	افراد در زمینه‌های گروهی	خصوصی و عمومی (فردی و جمعی)
پاتنام ^۴ و فوکویاما	هنجارهای اعتماد و همبستگی که همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می‌نمایند	تأمین دموکراسی کارآمد و توسعه اقتصادی	اجتماعات و گروه‌ها در زمینه‌های ملی و فراملی	عمومی (جمعی)

جدول ۱. تعاریف، اهداف، تحلیل و منافع حاصل از سرمایه اجتماعی (Field, 2003:10-15 / Lin, 1999: 12)

- 1 . Bourdieu
- 2 . Lin
- 3 . Coleman
- 4 . Putnam

ویژگی‌های سرمایه‌ی اجتماعی

۱. اجتماعی بودن

آنچه از خود کلمه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بر می‌آید، صفت اجتماعی بودن است. یعنی این سرمایه متعلق به تمام اجتماع است و در انحصار فرد قرار ندارد. اجتماعی بودن، بر سه معنا دلالت می‌کند:

- اول؛ غیر فردی بودن: هیچ فردی به تنهایی مالک آنها نیست. این منابع در دل شبکه‌های روابط قرار گرفته‌اند.
- دوم؛ همگانی بودن: به این معنا که کسی نمی‌تواند نتایج حاصل از سرمایه‌ی اجتماعی را به‌خود منحصر سازد.
- سوم؛ جمعی بودن: جمعی تولید و جمعی بهره‌مند می‌شوند (بیکر، ۱۳۸۲: ۱۶).

۲. اقتصادی بودن

که خود نیز به سه اصل مهم و اساسی تقسیم می‌گردد:

- اصل اول؛ مولد بودن: ماهیتی زاینده و مولد دارد.
- اصل دوم؛ سود آوری: سرمایه‌ی اجتماعی، خصوصیتی دارد که موجب سودآوری اقتصادی و اجتماعی می‌شود.
- اصل سوم؛ استهلاک: سرمایه‌ی اجتماعی یکی از شکل‌های سرمایه است که با گذشت زمان مستهلک می‌شود. روابط اجتماعی اگر حفظ نشود به تدریج از بین می‌رود (همان: ۱۷).
- اصل چهارم؛ اصل انباشت تدریجی: سرمایه‌ی اجتماعی، به‌طور تدریجی انباشته می‌شود. انسان‌ها به تدریج به یکدیگر اعتماد می‌کنند و همکاری با یکدیگر را یاد می‌گیرند (رنانی، ۱۳۸۵: ۷).

عناصر و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی دارای ابعاد و مؤلفه‌های فراوانی است که متناسب با فرهنگ جامعه می‌باشد؛ مؤلفه‌هایی چون اعتماد، مشارکت در نهادهای مدنی و مؤسسات خیریه، ارتباطات مناسب با دیگران، تعهد و مسؤولیت، همکاری و روحیه کارگروهي، و احساس هویت جمعی در این زمینه مدنظر می‌باشد. با این وجود به‌نظر ما مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل با هم قرار گرفته‌اند و هر کدام تقویت‌کننده دیگری است از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. این سه مؤلفه از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی نیز هستند.

۱. اعتماد اجتماعی

لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. و ایجادکننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات می‌شود. اعتماد اجتماعی برگرفته از عدالت بوده و امنیت اجتماعی زاینده آن است. آنتونی گیدنز، اعتماد و تأثیر آن بر فرایند توسعه را زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند، هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد، همیاری و مشارکت مردم در عرصه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر است (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۱).

زومکا معتقد است که توجه به اعتماد اجتماعی عقیده‌ای جدیدی نیست، بلکه یک جریان چند قرن است. به‌نظر او برخورداری جامعه جدید از ویژگی‌های منحصر به فردی چون آینده‌نگری؛ شدت وابستگی متقابل؛ گستردگی و تنوع جوامع؛ ازدیاد نقش‌ها و تمایز اجتماعی؛ بسط نظام انتخاب؛ پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی باعث توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و رشد نوعی جهت‌گیری فرهنگ‌گرایانه که در خود نوعی چرخش از مفاهیم سخت به مفاهیم نرم را دارد، شده است. چنین چرخشی زمینه توجه عمیق‌تر به مفاهیم اعتماد را به‌دنبال داشته و در طی سه دهه گذشته شاهد موج جدیدی از مباحث مربوط به اعتماد در مفاهیم علوم

اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی هستیم (ازکیا / غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸). اعتماد به خانواده و اقوام و دوستان از جمله معیارهای اعتماد اجتماعی هستند.

۲. انسجام اجتماعی

امیل دورکیم از اولین جامعه‌شناسانی است که مفهوم انسجام و همبستگی اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده‌است و وجود آنرا برای هر جامعه‌ای لازم می‌داند. جاناتان ترنر به نقل از دورکیم می‌گوید: «انسجام وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به‌وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، جایی که افراد متصل به جماعت و شده باشند و به‌وسیله هنجارها هماهنگ شده‌اند و جایی که نابرابری‌ها قانونی تصور می‌شود» (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۸-۱۷).

بنابراین جوامع مادامی که جمعیت آن‌ها اندک بوده و جوامعی ساده با باورها و ارزش‌های محدود و ساده بودند، انسجام در آن‌ها مکانیکی بوده است، اما دورکیم معتقد است جوامع سنتی در روند تکاملی خود تحت تأثیر عواملی، تغییراتی را در خود پذیرا می‌شوند. مهم‌ترین این عوامل از نظر او، پیشرفت تقسیم کار است که باعث تحولی عظیم در جوامع گشته و در حقیقت به دلیل تقسیم کار است که جامعه سنتی بر انسجام مکانیکی به جامعه سنتی مبتنی بر همبستگی ارگانیکی تبدیل می‌گردد (همان: ۱۸).

۳. مشارکت اجتماعی

مفهوم مشارکت قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات طولانی خود روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی خود، تعاریف مختلفی به‌خود دیده است. کائوتری اعتقاد دارد که مشارکت به قدمت تاریخ بشری پیشینه دارد چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون دلبستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آن‌ها نهفته است و از قدیم شالوده پیدایش اجتماعی - انسان شناختی نوع بشر تلقی شده است (همان: ۲۸-۲۷).

مشارکت اجتماعی بر آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۳).

به نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی به دلیل بعد کیفی که دارد سنجشش دشوار است. به نظر او به جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را از طریق وجود الزامات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از مالیات، عدم دخالت مردم در سیاست، عدم التزام به قانون و عدم آزادی بیان و موارد مشابه به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۸).

دسته‌بندی دیگری از ابعاد سرمایه اجتماعی توسط گروه کندی انجام گرفته است. این گروه ابعاد هشت‌گانه اعتماد، مشارکت سیاسی، مشارکت و رهبری مدنی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت مذهبی، عدالت در مشارکت مدنی، نوع مشارکت‌ها را مورد توجه قرار دادند (الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۱: ۸).

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی

• سن

یکی از عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی است. سن معمولاً بر اساس دوره کودکی، نوجوانی، بزرگسالی، والدینی و بازنشستگی شناخته می‌شود. چون سن بر اساس درآمد و زمان فراغت در مقاطع مختلف متفاوت است، بنابراین مشارکت اجتماعی فرد نیز در مراحل مختلف سنی متفاوت است. برخی از تحقیقات نشان داده است که ارتباط بین سن و انجمن‌پذیری و مشارکت‌های اجتماعی به صورت رابطه U معکوس است به گونه‌ای که از سن ۱۸ تا ۲۹ سالگی عضویت یگانه و ۳۰ تا ۵۹ سالگی عضویت چندگانه است و در جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر، در انجمن‌ها حضور کمتری دارند. البته به علت هم‌تغییری سن با متغیرهای درآمد، آموزش، موقعیت شغلی، موقعیت‌های خانوادگی و تاهل می‌توان تغییر در میزان سرمایه اجتماعی را در مقاطع مختلف سنی تحلیل نمود (Ofee & Fuchs, 2002: 145).

• نسل و تغییرات نسلی

یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است به‌گونه‌ای که افراد در سنین کار و فعالیت از میزان مشارکت‌های اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شوند (Ibid: 157). و اتفاقاتی که برای یک نسل به‌وقوع پیوسته است مانند: جنگ، رکود اقتصادی، کاهش میزان ازدواج و افزایش نرخ طلاق، کاهش تعداد فرزندان، کاهش نرخ دستمزد، جایگزینی سوپرمارکت‌ها، خرید و یادگیری الکترونیک و جایگزینی شرکت‌های بزرگ به‌جای شرکت‌های محلی مبتنی بر اجتماعات محلی بر سرمایه اجتماعی آن نسل تأثیر می‌گذارد (Putnam, 2000: 45).

• آموزش و تحصیلات

از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی است. در پیمایش ارزش‌های جهانی در اکثر کشورها این متغیر با سایر متغیرهای اجتماعی در ارتباط است. به‌زعم مطالعات گیلز، لایسون و ساکردوت در سال ۲۰۰۰ افزایش حضور در مناسک مذهبی، میزان اعتماد و کوشش در حل مسایل محلی در بین افراد تحصیل‌کرده بیشتر است. بین سال‌های رسمی آموزش در مدرسه و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی ملاحظه نموده‌اند و آن‌ها این موضوع را تا حدودی ناشی از محیط‌های نهادی مدارس و دانشگاه‌ها در تشویق افراد به انجمن‌پذیری آنان در جهت تعاون و همیاری می‌دانند (Ofee & Fuchs, 2002: 216).

• جنس

نیز از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی است به‌گونه‌ای که میزان مشارکت بیشتر مردان نسبت به زنان در نیروی کار باعث افزایش مشارکت‌های رسمی آنان نسبت به زنان می‌گردد. ضمن اینکه جنسیت بر نوع عضویت در انجمن‌ها اثر می‌گذارد به‌گونه‌ای که زنان بیشتر عضو انجمن‌های خدماتی - خیریه‌ای، مذهبی، اولیاء و مربیان و انجمن‌های فرهنگی می‌شوند و مردان علاقمند به فعالیت‌های در انجمن‌های سیاسی هستند (Ibid: 229).

• دین باوری و تعهد دینی

رابطه مستقیمی با سرمایه اجتماعی دارند. زیرا سازمان‌های دینی نقش میانجی را در فعالیت‌های دینی ایفا می‌کنند. از آن‌جا که ادیان در نشست‌های عمومی و از مراسم و مناسک برخوردارند باعث توسعه شیوه همکاری و تعاون و آگاهی از مسایل اجتماعی می‌گردند و ادیانی که بیشتر از مناسک و مراسم عمومی برخوردارند در افزایش سرمایه اجتماعی نقش بیشتری ایفا می‌کنند (Ibid: 208).

• مشارکت رسمی یکی از اعضای خانواده

نیز در ایجاد سرمایه اجتماعی مخصوصاً در ابعاد گوناگون آن نقش مثبتی دارد. به گونه‌ای که در تحقیقات مشخص شده است افرادی که در خانواده‌هایی هستند که خانواده آنان با کمک دیگران به حل مشکلات اجتماعی مبادرت ورزیده و مشارکت اجتماعی فعال دارند، افراد در آن خانواده‌ها از سهم و میزان بیشتری در سرمایه اجتماعی برخوردارند (Krishna & Uphoof, 2002: 118).

• میزان اقامت در شهر و مهاجر بودن یا نبودن

نیز در میزان سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است به گونه‌ای که تحقیقات نشان داده‌است افرادی که از سن ۱۶ سالگی در شهر محل تحقیق اقامت داشته‌اند از میزان مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند و اندازه شهر محل اقامت نیز در میان مشارکت‌های اجتماعی تأثیرگذار است (Brehm & Rohn, 1997: 108).

• درآمد خانواده

معمولاً به عنوان یک عامل اثرگذار بر سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود. با این فرض که افراد دارای درآمد متوسط و بالا آشنایی بیشتری با فعالیت‌های انجمنی دارند که این موضوع ناشی از تجربه و سن و یا مهارت‌های سازمانی آنان است. البته در نقطه مقابل این فرض وجود دارد که درآمد بالا باعث می‌شود که هزینه فرصت و زمان برای این گونه افراد مهم باشد که آن‌چه از طریق انجمن دست یافتنی است از طریق پول به دست آید و سرمایه اقتصادی جایگزین سرمایه

اجتماعی شود (Paragal & Offe & Fuchs, 2002: 206 / Brehm & Rohn, 1997: 109 / Hug, 2002: 118-212).

• اشتغال

که معمولاً تحت تأثیر وضعیت شغلی در یک شاخص ترکیبی شامل امنیت شغلی، سطح درآمد و وقت اضافه قرار می‌گیرد و با سرمایه اجتماعی رابطه معناداری دارد و شاغلین نسبت به بیکاران فعالیت انجمنی بیشتری دارند (Offe & Fuchs, 2002: 206-208).

تأثیرات سرمایه اجتماعی بر مؤلفه‌های اجتماعی

برای سرمایه اجتماعی اثرات مثبتی بیان کرده‌اند که در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و مدیریتی قابل توجه و بررسی است. سرمایه اجتماعی با ایجاد رابطه و تشکیل گروه‌ها، ارتباط بین افراد را افزایش می‌دهند و این افزایش در ارتباطات موجب فواید زیادی برای افراد و جامعه می‌شود. سرمایه اجتماعی موجب درونی‌سازی ارزش‌ها و تقویت هنجارها می‌شود. هنجارها و ارزش‌ها، فضای جامعه را سالم و آماده فعالیت‌های فردی و اجتماعی می‌نماید و بسیاری دیگر از فواید که جای تأمل بسیار دارد، موجب شده است که سرمایه اجتماعی جایگاهی عالی در نظریات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... داشته باشد که در اینجا به پاره‌ای از این موارد اشاره می‌کنیم:

❖ نقش سرمایه اجتماعی در سازمان‌ها

برای سرمایه اجتماعی، مصادیق سازمانی و کسب و کار نیز وجود دارد. شواهد محکمی که بیان می‌کند سرمایه اجتماعی باعث تقویت فعالیت‌های سازمانی می‌شود. افرادی که سرمایه اجتماعی را ایجاد کرده و از آن استفاده می‌کنند، مشاغل بهتری می‌یابند، حقوق بیشتری دریافت می‌کنند، سریع‌تر ترفیع می‌گیرند، و در مقایسه با هم‌تایان منزوی خود که تمایلی برای استفاده از قدرت سرمایه‌های اجتماعی نداشته یا توان آن‌را ندارند، از تأثیر و نفوذ بیشتری برخوردار هستند.

سازمان‌هایی که از سرمایه اجتماعی قدرتمندی سود می‌برند، می‌توانند به سرمایه‌های لازم برای کارآفرینی و فعالیت‌های شجاعانه دست یابند، یادگیری سازمانی را بهبود بخشند، از اهرم

بازاریابی شفاهی و گفتاری استفاده‌کنند، از توانایی یافتن متحدان استراتژیکی سود ببرند و از منابع خود در برابر پیشنهادهای غیردوستانه به‌خوبی دفاع کنند. یک سرمایه اجتماعی، یک دیواره دفاعی برای دموکراسی است (Glaiser, Edward, 2001: 95).

❖ نقش سرمایه اجتماعی در توسعه

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم بحث برانگیز و جنجالی است که در حوزه توسعه مطرح شده‌است. در کشورهای توسعه یافته که روابط اجتماعی آنان بر فرهنگ فردگرایانه بنا شده‌است، مفهوم سرمایه اجتماعی جزو مفاهیم کلیدی است. در کشورهای توسعه نیافته این مفهوم در حال حاضر به سرعت به ابزار در پژوهش‌های جدید توسعه اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌شود. در شرایطی که سرمایه اجتماعی یعنی توانایی استفاده جمعی و توأم با همکاری از منابع برای وظایف عمومی وجود نداشته باشد بعید است که تنها سرمایه مالی و افزایش سرمایه انسانی بتواند به نتایج مثبتی همچون رشد اقتصادی و کاهش فقر یا مشارکت بیشتر و پاسخگویی نهادهای عمومی منجر شود (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۰).

از نظر برخی از صاحب‌نظران، الگوهای توسعه تا قبل از دهه هفتاد میلادی، صرف‌نظر از تشدید دامنه نابرابری‌های اجتماعی مانع از جلب و جذب مردم در فرایند توسعه گردید و از شکل‌گیری سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، مشارکت و سازمان‌یابی که از شروط لازم توسعه است، جلوگیری کرد که پیامدهایی از جمله کاهش انسجام و تشدید نابسامانی‌های اجتماعی در فرایند توسعه دربرداشته‌است. بنابراین در مفهوم‌سازی مجدد پارادایم جدید توسعه سه فرایند سرمایه اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و توانمندسازی مورد توجه قرار گرفته‌است (زاهدی، ۱۳۸۲: ۴۵).

کلمن نیز پس از آنکه تفاوت‌های موجود در شمال و جنوب ایتالیا نظرش را جلب کرد، به مطالعه بر این موضوع ترغیب شد و پس از آن می‌گوید: از سال ۱۹۷۰ ایتالیایی‌ها مجموعه‌ای از حکومت‌های منطقه‌ای قدرتمند را در سراسر جهان ایجاد کردند. نهادهای جدید شکلی یکسان داشتند ولی شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن‌ها، تفاوت چشم‌گیری داشت و از پس‌اصنعتی تا فراصنعتی، کاتولیک معتقد تا کمونیست پرشور، فئودالی بی‌تحرك تا مدرنی پرجنب و جوش را شامل می‌شود. همان‌طور که انتظار داشتیم برخی از این

حکومت‌های جدید بسیار ناموفق بودند، ولی برخی دیگر بسیار موفق بودند و برنامه‌های سازنده نگهداری از کودکان خردسال و مراکز آموزش حرفه‌ای را ایجاد کردند، سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی را افزایش دادند، در زمینه رعایت استانداردهای زیست محیطی و درمانگاه‌های خانواده پیشگام بودند و به‌طور کلی مسایل عمومی را به‌خوبی اداره و رضایت انتخاب‌کنندگان خود را جلب می‌کردند. او این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه این تفاوت‌های شدید در کیفیت‌های حکومت‌ها را می‌توان توضیح داد؟ (Coleman, 1990: 96). او خود در جواب این سؤال می‌گوید: بهترین عامل پیش‌بینی‌کننده همان چیزی است که پیش‌بینی شده‌است: سنت‌های قدرتمند مشارکت مدنی، شرکت در انتخابات، تعداد خوانندگان روزنامه‌ها، عضویت در گروه‌های سرود مذهبی و محافل ادبی، باشگاه‌های نیکوکاران و باشگاه‌های فوتبال، نشانه‌ی موفقیت یک منطقه است (Ibid: 96).

او در نحوه تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر پیشرفت اقتصادی بیان می‌کند که شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای مستحکم رابطه متقابل را تقویت می‌کند. من کاری را برای شما انجام می‌دهم، با امید این که در آینده شما یا کس دیگری آن را جبران کند. فرضیه‌ای که وجود دارد این است که سرمایه اجتماعی یک متغیر مهم برای موفقیت در برنامه‌های توسعه‌ای است. بنابراین فرضیه، برنامه‌های اجتماعی در مناطقی موفق‌ترند که دارای سرمایه اجتماعی بالاتری هستند (تاج بخش، ۱۳۸۴: ۲۹).

در نگاه به سرمایه اجتماعی و روابط آن با توسعه چهار رویکرد مطرح است:

۱. رویکرد اجتماع‌گرایی

در دیدگاه اجتماع‌گرا، سرمایه اجتماعی با سازمان‌های محلی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های برابر انگاشته می‌شود. اجتماع‌گرایان بر این اعتقادند که سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است، هرچه باشد بهتر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه جامعه دارد. اما این نگرانی وجود دارد که تقویت سرمایه اجتماعی در سطح خرد باعث کاهش آن در ارتباط با دیگر گروه‌ها شود. حتی ممکن است این کاهش در روابط بین گروه‌ها موجب شود که مضرات این عضویت بیشتر از منافع آن باشد.

۲. رویکرد شبکه‌ای

از این دیدگاه، شبکه به‌عنوان نوعی سازمان رسمی تعریف نشده، بلکه به‌صورت یک ارتباط اخلاقی مبتنی بر اعتماد تعریف می‌شود. بنابراین یک تعریف دقیق‌تر چنین خواهد بود: «یک شبکه متشکل از گروهی از افراد است که دارای هنجارها یا ارزش‌های فراتر از ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای داد و ستدهای متداول بازار است».

در این دیدگاه به هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی توجه می‌شود و رابطه درون گروهی و رابطه میان گروهی، هر دو دارای اهمیت است. به‌عبارت دیگر رابطه افقی و عمودی را با هم در نظر می‌گیرند و جمع این دو رابطه را سرمایه اجتماعی می‌دانند. بیان کنندگان این دیدگاه، دو خصالت برجسته برای سرمایه اجتماعی قایلند:

- سرمایه اجتماعی یک شمشیر دو دم است. می‌تواند خدمات گران‌بهایی را ارائه دهد و از آن‌طرف دارای هزینه‌هایی است.
- درباره کارایی این دیدگاه نباید اغراق کرد، زیرا همبستگی در یک گروه و موفقیت این گروه، مانع موفقیت در گروه‌های دیگر می‌شود.

۳. رویکرد نهادی

این دیدگاه مدعی است که در زندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. پژوهش‌های انجام شده بر اساس این رویکرد دو گونه‌اند:

۱. میزان شکوفایی جامعه مدنی به اندازه‌ای است که دولت را به این امر تشویق می‌کند؛
۲. سرمایه اجتماعی را با کیفیت نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی یک جامعه مشخص می‌کنند (Offe & Fuchs, 2002: 551).

راهکارها	فعالان	دیدگاه
«کوچک زیباست» شناسایی و قبول سرمایه اجتماعی فقرا	گروه‌های اجتماعی سازمان‌های داوطلبانه	اجتماع گرای
تمرکز زدایی، ایجاد مناطق آزاد اقتصادی	بازرگانان، گروه‌های کسب و کاری	شبکه‌ای
اعطای آزادی‌های مدنی و سیاست شفافیت، مسئولیت‌پذیری	بخش‌های خصوصی و دولتی	نهادی
تولید مشترک، مکمل بودن، مشارکت، پیوند و اتصال‌ها	گروه‌های اجتماعی، جامعه مدنی بنگاه‌ها و دولت	همیاری
«کوچک زیباست» شناسایی و قبول سرمایه اجتماعی فقرا	گروه‌های اجتماعی سازمان‌های داوطلبانه	اجتماع گرای

جدول ۲. رویکردها در سرمایه اجتماعی (Glaiser, 2001: 184)

۴. رویکرد همیاری

عده‌ای از دانشمندان با تشخیص مشکل در رویکردهای قبلی، پیشنهاد دارند که دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کنند و نام آنرا رویکرد همیاری بگذارند. مطالعاتی که این دانشمندان انجام داده‌اند، به سه نتیجه کلی می‌رسد:

۱. دولت‌ها و جوامع هیچ‌کدام ذاتاً خوب و یا بد نیستند و تأثیرات این‌ها بر تحقق اهداف جوامع متغیر است؛
۲. دولت‌ها و بنگاه‌ها و اجتماعات به‌تنهایی فاقد منابع لازم برای ترویج توسعه هستند؛
۳. دولت می‌تواند در تشکیل گروه‌های پایدار در فراسوی مرزهای طبقات، قومیت، نژاد و ... تسهیلات ایجاد نماید.

❖ سرمایه اجتماعی و بهداشت

این‌که سرمایه اجتماعی و سلامتی به‌هم مربوطند، ایده‌ای است که حداقل یک قرن عمر دارد. در اواخر قرن نوزدهم دورکیم نشان داد که تعداد خودکشی‌ها در جوامعی که انسجام اجتماعی کمتری دارند، بیشتر است تا جوامعی که ارتباطات منسجم‌تری دارند. در مورد همبستگی کلی بین سطح سلامتی و ارتباطات اجتماعی ۱۹۷۰ میلادی، مدارک و شواهدی در دست است که نشان می‌دهد نرخ مرگ و میر مردمی که شبکه‌های اجتماعی قوی‌تری دارند،

نصف یا یک سوم نرخ مردمی است که ارتباطات ضعیف اجتماعی دارند. پاتنام با استفاده از نتایج تحقیقات بسیار که در آن‌ها سعی شده مشخصه‌های دیگر را کنترل کند، مشخصه‌هایی چون سن، درآمد و حتی الگوهای رفتاری مانند سیگار کشیدن، اعتیاد به مشروبات الکلی و ورزش کردن و ... همبستگی کلی این ارتباط را تأیید کرده است (Field, 2003: 157).

طی سالیان اخیر، رابطه سرمایه اجتماعی و سلامتی و بهداشت به یکی از موضوعات مهم تبدیل شده است؛ به شکلی که امروزه سرمایه اجتماعی، مفهومی کلیدی در زمینه مطالعات مربوط به ارتقای سلامتی و رفاه عمومی محسوب می‌گردد (Paragal & Hug, 2002: 57). مهمترین مطالعه‌ای که الهام بخش دیگر آثار در این زمینه شده، مفهوم‌سازی پوتنام از سرمایه اجتماعی، متشکل از ابعادی نظیر اعتماد بین شخصی، هنجار معامله متقابل و تعهد اجتماعی است که مشارکت محلی را تقویت کرده و می‌تواند نتایج سودمندی برای افراد جامعه از جمله در زمینه سلامتی به دنبال داشته باشد. عده‌ای از پژوهشگران در مطالعات خود در مناطق مختلف آمریکا به رابطه شدیدی بین سرمایه اجتماعی با نابرابری درآمد و سلامتی پی بردند. به عقیده این پژوهشگران، سرمایه اجتماعی در واقع نقش یک متغیر واسطه (مداخله‌گر) را بین نابرابری درآمدی و سلامتی بازی می‌کند، به این معنا که نابرابری بیشتر به کاهش مشارکت در فضای عمومی و افزایش بی‌اعتمادی منجر می‌گردد که هر دو متغیر تأثیری منفی بر سلامتی دارند. اگرچه رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامتی در اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های صورت گرفته، به اثبات رسیده است؛ اما بسیاری از مطالعات در این زمینه یا از توصیف این رابطه فراتر نرفته و یا میان آن دسته از پژوهشگرانی که به تحلیل رابطه مذکور پرداخته‌اند، راجع به سازوکارهای اساسی تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر سلامتی، توافق کاملی وجود ندارد (Putnam, 2000: 82). پژوهش انجام شده توسط پژوهشگران بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ در زمینه تأثیرات سرمایه اجتماعی بر سلامتی خاطر نشان کرده است که اعتماد همراه به شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی به مردم کمک می‌کند تا:

- اقدامات پیشگیرانه را ارتقا داده و بهبود ببخشند؛
- اطلاعات و آموزش لازم برای سلامتی را فرا بگیرند؛
- اقدامات پیشگیرانه را ارتقا داده و بهبود ببخشند؛
- نظام‌های بهتری برای ارائه خدمات و مراقبت‌های بهداشتی طراحی نمایند؛

- به منظور ساختن زیرساخت‌های بهداشتی و اصلاح و ترمیم آن به‌طور دسته جمعی اقدام نمایند؛

- هنجارهای فرهنگی تعیین کننده و تأثیرگذار بر سلامتی (کاهش استعمال دخانیات و مصرف الکل) را ترویج نمایند؛

سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم و نظریه چند وجهی دارای قابلیت، توانایی، و کارایی قابل ملاحظه‌ای در توصیف و تبیین رفتارها، فرآیندها و ساختارهای اجتماعی مرتبط با حوزه سلامتی، بهداشت و بیماری می‌باشد. از آن‌جا که وضعیت سلامت عمومی می‌تواند تابعی از گسترش کمی و کیفی سرمایه اجتماعی درون گروهی، (میان دوستان، اعضای خانواده و همسایگان) سرمایه اجتماعی میان گروهی، (بین گروه‌های گوناگون و تقریباً یکسان) و به‌ویژه سرمایه اجتماعی پیوند دهنده (اعتماد به نمایندگان نهادهای مسئول برای ارائه خدمات کلیدی به مردم) باشد، لذا ضروری است تا به هر شکل ممکن و بالاخص با تأکید بر منابعی نظیر دولت، دین، آموزش و رسانه‌های گروهی به افزایش حجم سرمایه اجتماعی در سطح جامعه کمک نماییم تا ضمن خوشه‌چینی از آثار مثبت آن در سایر حوزه‌های حیات اجتماعی، سلامت جسمی و روانی را در سطوح فردی و عمومی ارتقاء دهیم.

❖ سرمایه اجتماعی و آموزش

رویکردهای اخیر در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و به‌ویژه در زمینه سرمایه اجتماعی در تحلیل ساز و کار موفقیت تحصیلی، نکات قابل توجهی را مطرح نموده‌اند که مورد غفلت قرار گرفته است. پیوندها و شبکه‌های اجتماعی افراد به‌عنوان سرمایه اجتماعی بالقوه آن‌ها می‌تواند در ارائه و انتقال اطلاعات و آگاهی تحصیلی و همچنین انتقال هنجارها و ارزش‌های تحصیلی سهم به‌سزایی داشته باشد. همچنین افزایش دامنه و شدت پیوندهای اجتماعی می‌تواند فرایند نظارت و کنترل اجتماعی را افزایش داده و از این طریق رسیدگی و نظارت بر امور تحصیلی را فزونی بخشد. بنابراین سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق فرایندهای زیر، زمینه مناسب را برای موفقیت تحصیلی فراهم نماید:

۱. تسهیل جریان ارتباطات (به‌ویژه اطلاعات تحصیلی)؛
۲. تقویت همبستگی اجتماعی (به‌عنوان مثال تقویت پیوندهای خانوادگی به تبع آن تسهیل فرایند انتقال اطلاعات و کنترل اجتماعی).

در مجموع نظریه اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی و تحلیل منافع حاصله از ایجاد پیوندهای اجتماعی در سطوح مختلف، تحلیل نوینی از ساز و کار موفقیت تحصیلی به‌دست می‌دهد. لذا متغیر سرمایه اجتماعی که قسمتی از رویکردهای مربوط سرمایه اجتماعی است به‌عنوان مبنای تحلیل موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان انتخاب شده که در صورت بررسی این متغیر، می‌تواند نظریه مربوطه را از جهت تطبیق با مقتضیات و شرایط جامعه آماری مورد مطالعه آزمود. تحقیقات جدید ثابت می‌کند که ظاهراً سرمایه اجتماعی به‌طور کلی رابطه تنگاتنگی با ماحصل تحصیلات دارد. از ۱۴ تحقیق بررسی شده توسط پژوهشگران که به‌منظور ارتباط سرمایه اجتماعی و پیشرفت درسی انجام شده، بیشتر به همبستگی مثبت میان آن‌ها رسیده‌اند. اکثر این تحقیقات موفقیت‌های درسی را حاصل سرمایه اجتماعی والدین دانسته‌اند. نتایج تحقیقات همچنین نشان داده‌است که سرمایه اجتماعی ممکن است محرومیت اقتصادی و اجتماعی را جبران کند. همان‌گونه که کلمن می‌گوید که سرمایه اجتماعی می‌تواند برای مستضعفین منبع تحصیلی ایجاد کند (Field, 2003: 174).

کلمن با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی سعی در شناخت نقش هنجارها و ارزش‌ها در داخل خانواده یا شبکه‌های اجتماعی داشت، تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه‌های انسانی شود. به‌زعم کلمن روابط میان مردم، شکلی از سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کند که سرمایه اجتماعی نام دارد. موجودی سرمایه اجتماعی منبعی برای افراد و خانواده در به‌دست آوردن منافعشان می‌باشد. کلمن دو نوع سرمایه اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند: سرمایه اجتماعی در داخل خانه و سرمایه اجتماعی خارج از خانه. سرمایه اجتماعی داخل خانواده شامل زمانی است که والدین با یکدیگر و با بچه‌هایشان می‌گذرانند. سرمایه اجتماعی بیرون خانواده شامل ارتباط با اقوام و خویشاوندان و همسایگان و ارتباط با اولیاء و مربیان مدرسه می‌باشد. سرمایه اجتماعی درون خانواده شامل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط بین والدین و فرزندان است که برای فرزندان خصوصاً در دوران جامعه‌پذیری بسیار گران‌بها است. از دیدگاه کلمن این سرمایه اجتماعی از طریق سرمایه‌گذاری در کنش متقابل بین افراد خانواده

و با ایجاد فرصت برای کنش‌های بین شخصی و فراوانی و مدت زمان آن‌ها ظاهر می‌شود. در تحلیل کلمن، سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی نقش بارزی دارد. او بر روابط بین والدین - فرزندان تأکید می‌کند و از حضور فیزیکی والدین در خانواده و رسیدگی به فرزندان به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری استفاده می‌کند. پیش فرض او این بود که سرمایه‌های اجتماعی متفاوت خانواده‌ها، سطوح مختلف سرمایه اجتماعی قابل دسترسی را برای کودکان ایجاد می‌کند. او سرمایه اجتماعی را با چند عامل در ارتباط می‌داند:

- حضور والدین در خانه (هر دو نفر یا تنها یکی)؛
- تعداد فرزندان؛
- ترکیب متفاوت والدین؛
- انتظار مادران از آموزش بچه‌ها؛
- تحرک خانواده؛
- حضور در مناسک مذهبی.

در نتایجی که کلمن به دست آورد، زمانی سرمایه اجتماعی بالا است که والدین هر دو در خانه هستند، مادران به آموزش بچه‌ها توجه دارند، مقدار کمی تحرک در خانواده وجود دارد و انسجام دینی بالا است. به همین دلایل میزان‌های ترک تحصیل از مدرسه پایین است، به عبارتی سرمایه اجتماعی بالاتر باعث ادامه تحصیل بیشتر می‌شود. سرمایه اجتماعی خانواده همانند سرمایه‌های دیگر، در خوشبختی کودکان مخصوصاً دستاوردهای آموزشی، اثرات مهم و یکسانی دارد. وی سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منبع مهم در تسهیلات خوشبختی و توسعه کودکان می‌داند (کلمن، ۱۳۸۴: ۶۶).

کلمن اشاره دارد که سرمایه اجتماعی ذاتاً در روابط والدین و فرزند و نوع و نحوه این روابط وجود دارد. او در مورد نحوه این روابط به‌میزان وقت و انرژی که والدین در کمک به فرزندان‌شان سرمایه‌گذاری می‌کنند اشاره دارد. سرمایه اجتماعی درون خانواده مکانیسم مهمی است که از طریق آن انتظارات تحصیلی والدین به فرزندان انتقال یافته است و انتظارات تحصیلی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کلمن به اهمیت سرمایه اجتماعی بیرون خانواده نیز تأکید نموده است، این سرمایه به شبکه اجتماعی خانواده در اجتماع و رابطه آن با سایر نهادهای اجتماع و اعضای اجتماع از قبیل مدارس، سازمان‌های اجتماعی و غیره اشاره دارد. او معتقد

است که تماس بین کودک و خانواده، دوستان، جامعه و مدرسه‌اش می‌تواند به دستاوردهای آکادمیک بزرگی منجر شود. این تماس‌ها که محصول روابط و درگیری‌ها اجتماعی است، سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. والدینی که دارای سطوح بالای سرمایه انسانی و در عین حال سطوح پایین ارتباط با کودکان خود هستند (منبع سرمایه درون خانواده) نسبت به خانواده‌هایی که دارای سطوح بالای ارتباط و کنش با فرزندان خود هستند، شانس محدودتری دارند تا سرمایه انسانی خود را به کودکان منتقل کنند. بنابراین در محتوای کلمن، انتقال سرمایه انسانی از والدین به بچه‌ها وابستگی زیادی به سطوح سرمایه اجتماعی موجود در خانواده دارد. کلمن بر اهمیت ارتباطات درون خانوادگی تأکید می‌کند. گاهی یک رابطه احساسی بین کودک و والدین، بسیار مهم‌تر از این است که والد قدرت و تسلط بسیار زیادی روی کودک داشته باشد. کلمن همچنین به ارتباط نزدیک بین والدین با یکدیگر به‌عنوان منبع مهم سرمایه اجتماعی خانواده تأکید می‌کند. علاوه بر این کلمن علاوه بر اهمیت ارتباطات درون خانوادگی، تأکید دوجندان بر ارتباطات بیرون خانوادگی (از جمله فروبستگی نسلی) نیز نظر داشته‌است. وی معتقد است مجموعه این ارتباطات و اعتماد و همکاری بین خانواده‌ها نقش به‌سزایی بر موفقیت تحصیلی بچه‌ها دارد (کلمن، ۱۳۸۴: ۶۸).

❖ سرمایه اجتماعی و استاندارد زندگی

در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم، دیدگاه غالب در بین اقتصاددانان و سیاست‌گذاران این بود که مشکل اصلی اکثر کشورهای توسعه نیافته ریشه در فقدان برخی عوامل تولید مهم به‌ویژه سرمایه فیزیکی دارد. از این‌رو چنانچه کشورهای ثروتمند، بتوانند با استقلال این عوامل دام‌های فقر و سطح پایین درآمد در کشورهای فقیر را از بین ببرند، کشورهای دریافت‌کننده قادر خواهند بود فرایند رشد پایدار و خودکفایی خود را آغاز کنند. براساس این دیدگاه مسأله توسعه، انتقال پس‌انداز از کشورهای ثروتمند به فقیر است. به هر حال تحلیلی که در ایالات متحده، اروپا و برخی کشورهای آمریکای لاتین، از تابع تولید کل^۱ صورت گرفت، نشان داد که بهبود و پیشرفت در تولید و سطح زندگی، ناشی از فرایند سنتی انباشت سرمایه نبوده است، بلکه علت این پیشرفت، وجود یک عامل فرعی در تابع تولید می‌باشد (دهقانی، ۱۳۸۲: ۲۴).

عامل فرعی، نقش به‌سزایی در تشریح رشد اقتصادی دارد. دانشمندان این عامل را سرمایه اجتماعی می‌انستند. سرمایه اجتماعی با بهبود کیفیت دستگاه اداری، حفاظت همه‌جانبه از قانون، کاهش فساد سیاسی و احتمال سرپیچی دولت و مردم از قراردادهای اجتماعی نیز موجب رشد و توسعه اقتصادی، گسترش اعتماد به عاملین اقتصادی می‌شود.

نگاهی به وجه منفی سرمایه اجتماعی

از بیشتر قسمت‌های ادبیات سرمایه اجتماعی، نوعی درخشش پوشالی ساطع می‌شود. اما در عوض، وجه منفی سرمایه اجتماعی تا حد زیادی به‌صورت ناشناخته باقی مانده‌است. بیشتر کسانی که از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنند، گرایش به تأکید بر پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی را دارند. اگرچه ممکن است که این تأکید منجر به وارد آمدن صدمه و آسیب جدی به درک کامل شبکه‌های اجتماعی و هنجارها به‌عنوان منابع سرمایه اجتماعی شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند افراد و گروه‌ها را قادر به دستیابی به اهداف مشترک متنوعی سازد که ممکن است خیلی از آن‌ها برای سایرین دارای پیامدهای منفی مستقیم (برای قربانیان جرایم سازماندهی شده) یا غیر مستقیم (از طریق نقش هنجارها و شبکه‌های غیررسمی در ایجاد و پی‌ریزی تبعیض نهادی) باشند (Flick & Williamson, 2005: 119).

۱. سرمایه اجتماعی و نابرابری

سرمایه اجتماعی می‌تواند به میزان قابل توجهی نابرابری را افزایش دهد زیرا دسترسی به انواع مختلف شبکه‌ها، دارای توزیعی نابرابر است. هر فردی از اتصالات خود به‌عنوان راهی برای پیش بردن منافعش استفاده کند اما اتصالات بعضی افراد در مقایسه با اتصالات سایرین از ارزش بیشتری برخوردار است. به‌طور خلاصه ثروتمندترین و باتحصیلات‌ترین افراد عموماً کسانی‌اند که دارای بیشترین اتصالاتند. ضمناً سرمایه اجتماعی با پایین آوردن سطح خواسته‌های افراد، باعث افزایش نابرابری می‌گردد (Flick & Williamson, 2005: 124).

۲. تأثیرات مخرب سرمایه اجتماعی

افراد علاوه بر اینکه می‌توانند سرمایه اجتماعی خود را برای همکاری در جهت نیل به اهدافی که برای اعضای شبکه و اجتماع مفید هستند به‌کار ببرند، می‌توانند آن‌را در جهت

حصول مقاصدی که به لحاظ اجتماعی و اقتصادی مخرب هستند به‌کار گیرند (Flick & Williamson, 2005: 137).

نتیجه‌گیری

مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور دارای تأثیر فزاینده‌ای در حوزه‌های مختلف می‌باشد. مفهوم آن همچون جرقه‌ای در علوم اجتماعی درخشید و نفوذ آن بر سایر حوزه‌ها همچون سیاست، رسانه، سازمان و اجتماع سریع‌تر از آن‌چه که برایش متصور بود، صورت گرفت. آنچه در مقاله مورد بررسی قرار گرفت تأثیر سرمایه اجتماعی بر مؤلفه‌های اجتماعی چون سازمان، توسعه، بهداشت، آموزش بود. در سازمان سرمایه اجتماعی موجب استحکام فعالیت‌های سازمانی شده، و تأثیر آن بر جامعه منجر به تسری توسعه گشته، و موجب رشد اقتصادی و سیاسی در چارچوب ارزشی، احترام به ارزش‌ها و کاهش فساد اداری و سیاسی در جامعه می‌گردد و نهایتاً یادگیری سازمانی را محقق می‌کند. آن چیزی که باعث پیشرفت و توسعه کشورهای صنعتی گشته انباشت سرمایه نبوده، بلکه سرمایه اجتماعی بوده که آن‌ها را به این جایگاه رسانده است. شبکه‌ها و هنجارهای قوی اجتماعی منجر به سلامت روحی و جسمی افراد در جامعه گشته و منجر به سلامت روح و روان آن‌ها در فضای پرتنش صنعتی می‌گردد. امید است بتوان با مولفه‌های سرمایه اجتماعی جامعه‌ای خردورز و سازمان‌های پیشرو در عرصه‌های جهانی داشته باشیم.

منابع و مآخذ

۱. ازکیا و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، «توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران»، تهران: نشر نی.
۲. اکبری، امین، ۱۳۸۳، «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی - اجتماعی»، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۳. الوانی و سید نقوی (۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها، فصل نامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۴. بیکر، واین، ۱۳۸۲، «مدیریت و سرمایه اجتماعی»، مترجمان: سید مهدی الوانی / محمدرضا ربیعی مندجین، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۵. تاج بخش، کیان، ۱۳۸۴، «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، مترجمان: افشین خاکبازان / حسن پویان. تهران: شیرازه.
۶. تبریزی، علیرضا، ۱۳۶۹، «بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی»، تهران.
۷. زاهدی، محمدجواد، ۱۳۸۲، «توسعه و نابرابری»، تهران: انتشارات مازیار.
۸. رنانی، محسن، ۱۳۸۵، «کاهش سرمایه اجتماعی و ناکامی سیاست‌های اقتصادی در ایران»، ماهنامه آیین.
۹. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۷۹، «پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن»، مترجم: غلام عباس توسلی، تهران: جهان امروز.
۱۰. کلمن، جیمز، ۱۳۸۴، «بنیادهای نظریه اجتماعی»، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
11. Brehm, John & Rohn Wandy, (1997). "Individual-Level Evidence for the Cause and Consequence of Social Capital", American journal of Political Science, Volume41, Issuse3 (Jui, 1999).
12. Brown, S.; L. Flick; and K. Williamson. (2005). "Social Capital in Engineering Education, available at http://www.ce.wsu.edu/Faculty_Staff/Profiles/brown.htm.

13. Coleman, j s (1990),"Fundation of Social Theory", Combridge, MA: Harvard University Press, Belknap Press.
14. Field.John (2003) Social Capital.Routledg: london.
15. Glaiser, Edward L. (2001)"The Formation of Social Capital", Organization for Economic Co_Operation and Development.
16. Krishna, A and Uphoof, N, (2002)."Mapping and Measuring Social Capital through assessment of collective action to conserve and develop watershed in Rajasthan", India. Published in Grootaert, C and Bustelaer, T.(2002)The Role of Social Capital in Development, Cambridge university press.
17. Lin.Nan. (1999)"Building a Network Theory of Social Capital". In Nam Lin.katern. Cook and Ronald S.Burt.Social Capital: Theory and Research. New York: Aldin de Gruyter.
18. Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002)."A Decline of Social Caputal? The German Case" Published in Putnam, Robert D. (2002).Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Compentorary Society, New York: Oxford University Press.
19. Paragal.S, Gilligan.D.O, and Hug.M.Doeas, "Social Capital increase Participation in Voluntary Solid Waste management?" Evidence from Dohaka, Bangeladeh Published in Crootaert, C and Bastelaer, T. (2002).The Role of Social Capital in Development, Cambridge univ. Press.
20. Putnam, R. (2000) "Bowling Along: the Collaps and Revival of American Community", Simon and Schuster, New York.

